

# مفروضات - طبیعت در تحت قانون

## عمومیست

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



طبیعت در تحت قانون عمومیست - مفروضات - اثر  
حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه طبع سنه ۱۹۰۸ م

﴿ هو الله ﴾

طبیعت کیفیتی است و یا حقیقی است که بظاهر حیات و ممات و بعبارةٔ اخری ترکیب و تحلیل کافه اشیاء راجع باوست . و این طبیعت در تحت انتظامات صحیحه و قوانین متینه و ترتیبات کامله و هندسه بالغه است که ابدأً از او تجاوز نمیکند بدرجه ای که اگر بنظر دقیق و بصر حدید ملاحظه کنی ذرات غیر مرئیّه از کائنات تا اعظم کرات جسیمه عالم وجود مثل کره شمس و یا سائر نجوم عظیمه و اجسام نورانیّه چه از جهت ترتیب و چه از جهت ترکیب و خواه از جهت هیأت و خواه از جهت حرکت در نهایت درجه انتظام است . و می بینی که جمیع در تحت یک قانون کلی است که ابدأً از او تجاوز نمیکند و چون بخود طبیعت نظر میکنی می بینی که استشعار و اراده ندارد . مثلاً آتش طبیعتش سوختن است بدون اراده و شعور میسوزاند و آب در طبیعتش جریانست و بدون اراده و شعور جاری میشود و آفتاب در طبیعتش ضیاست و بدون اراده و شعور میتابد و بخار در طبیعتش صعود است و بدون اراده و شعور صعود مینماید . پس معلوم شد که جمیع کائنات حرکات طبیعتشان حرکات مجبوره است و



ORIGINAL



AUDIO

هیچ یک متحرک باراده نیست مگر حیوان و بالأخص انسان . و انسان مقاومت و مخالفت طبیعت تواند زیرا کشف طبایع اشیاء را کرده و بواسطه کشف طبایع اشیاء بر نفس طبیعت حکم میکند و این همه صنایع را که اختراع کرده بسبب کشف طبایع اشیاست . مثلاً تلغراف اختراع کرده که بشرق و غرب کار میکند پس معلوم شد که انسان بر طبیعت حاکم است . حال چنین انتظامی و چنین ترتیبی و چنین قواعدی که در وجود مشاهده میکنی میشود گفت که این از تأثیرات طبیعت است با وجود این که شعور ندارد و ادراک هم ندارد ؟ پس معلوم شد که این طبیعتی که ادراک و شعور ندارد او در قبضه حقّ قدیر است که او مدبرّ عالم طبیعت است بهر نوعی که میخواهد از طبیعت ظاهر میکند . از جمله اموری که در عالم وجود حادث میشود و از مقتضیات طبیعت است گویند وجود انسانیت در اینصورت انسان فرع است و طبیعت اصل . میشود که اراده و شعور و کجالاتی در فرع باشد و در اصل نه ؟ پس معلوم شد که طبیعت من حیث ذاته در قبضه قدرت حقّ است و آن حیّ قدیر است که طبیعت را در تحت نظامات و قوانین حقیقی گرفته و حاکم بر اوست .